

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم "اسیر"
بن - المان، ۱۵ می ۱۹۸۷م

آشتی ملی؟؟؟

از بخش دوم «فریاد اسیر»

چنین گفت سعدی شیرین کلام
«نگویم ز جنگ بداندیش، ترس
"بسی کس بروز آیت صلح خواند
گروهی که ایمان و دین باخته
به پامردی غیر قــــــــــــــــائم شده
پی راحت خویش، خون ریخته
به وـــــــــــــــــرانه ملک آتش زدند
به بیگانه دادند، رمز امور
به دشمن نمودند، صد رمز و راز
که گیرند در کــــــــــــــــف زمام همه
به عصیانگر قرن، دادند راه
به ملک دلیران هجوم آورند
بگویند صلح و بیارند جنگ
به حرف دروغین همزیستی
ز همبستگی، نام هم می برند
بلی زیر نام و فــــــــــــــــا و صفا
که شعرش به شور آورد خاص و عام
در آوازه صلح ازو بیش ترس»
چو شب شد، سپه برسر خفته راند»
به زور کسان، در وطن تاخته
چه نامرد، صاحب غنائم شده
به سر خاک ذلت فرو بیخته
خود آن جا می صاف و بیغش زدند
ببین مشعل نور، در دست کور
به دیوانه دادند، صد امتیاز
بکـــــــــــــــــوبند درهم قیام همه
که تا با نظــــــــــــــــام سراسر سیاه
گل و بــــــــــــــــاغ گفته سموم آورند
بریزند رنگ و بکــــــــــــــــوبند سنگ
بیارند و وـــــــــــــــــرانی و نیستی
ولی پـــــــــــــــــرده دوستی میدرند
جفا هــــــــــــــــا شود، بر ملا، هم خفا

پس از کودتای سیهفام ثور
 گل لاله در دشت و نرگس به باغ
 به باغی که عنبرفشان بود و عود
 بسی خانواده که شد داغدار
 سیهپوش مرگ جگرگوشه ها
 پدرها به مرگ پسر، سوگوار
 پدر کشته شد پیش چشم پسر
 پس از این همه قتل و غارتگری
 کنون نغمه صلح بالا کنند
 بخوانند از آشتی قصه ها
 مگر پیر و برناست دانای راز
 بود این سخن در وطن اوجگیر
 همه رنج و ماتم، همه ظلم و جور
 ز طوفان مرمی شده داغ داغ
 فرو ریخت آتش، بر آورد دود
 ازین سیل ویرانکن مرگبار
 همه مادران در همه گوشه ها
 پسرها ز داغ پدر، اشکبار
 پسر گم شد و خون بگیرد پدر
 برادرکشی و شقاوتگری
 که مردم همه، باز اغوا کنند
 ز راه فریب و دروغ و ریا
 که دارد سر فتنه این حقه باز
 که ای کهنه مکار، ای گرگ پیر

«پدر کشتی و تخم کین کاشتی»

«پدرکشته را کی بود آشتی!!!!»